

روند آموزش بهداشت فردی و اجتماعی در ایران

موردپژوهی: از اقدامات میرزا تقی‌خان امیرکبیر تا ایجاد سپاه بهداشت

الهام ملک‌زاده^۱

چکیده

از دیرباز، بهداشت و نظافت شخصی از جمله احکام و تکالیف شرعی شمرده می‌شد و مؤمنان موظف بودند برای اجرای برخی عبادات خود را پاکیزه نگاه دارند. در روزگار نو، هم‌پای اکتشافات پی‌درپی و پیشرفت علوم مختلف، بهداشت و نظافت شخصی و اجتماعی به‌صورت دانشی وابسته به پزشکی نوین درآمد و به‌تدریج از شرایع و تکالیف دینی جدا شد و وجه اجتماعی یافت. پرسش اصلی این مقاله این است که نهادینه شدن بهداشت شخصی و اجتماعی، طی دوران صدارت میرزا تقی‌خان امیرکبیر تا تشکیل سپاه بهداشت در سال ۱۳۴۳ ش، چه روندی را طی کرده است. روش پژوهش تاریخی با رویکرد توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، نشریات و جراید دوران پهلوی است. براساس نتایج پژوهش، به‌دنبال شناخت تدریجی ایرانیان با تمدن غرب و دستاوردهای علمی آن، و پس از اقدامات امیرکبیر، به‌تدریج مفهوم بهداشت فردی و اجتماعی معنا دار شد و رعایت اصول بهداشتی به عادت و فرهنگ همگانی تبدیل شد؛ فرایندی که در دوران حکومت رضاشاه کُند و بطئی بود. پس از جنگ جهانی دوم، متأثر از تبلیغات وسیع، نهادینه کردن بهداشت با اجرای برنامه‌های مختلف تبلیغی مانند چاپ نشریات مخصوص بهداشتی، گنجانیدن مفاهیم مربوطه در برنامه‌های تحصیلی مدارس و استفاده از ابزار رسانه‌ای جدید مانند نمایش فیلم‌های بهداشتی در شهرها و روستاها، هر روز تعداد بیشتری از ایرانیان با اصول بهداشت فردی و اجتماعی آشنا شدند و رعایت آن با انواع محصولات بهداشتی همگانی گردید. سرانجام با تشکیل سپاه بهداشت در سال ۱۳۴۳ ش این روند در سراسر ایران شتاب گرفت.

واژه‌های کلیدی: بهداشت فردی، بهداشت اجتماعی، میرزا تقی‌خان امیرکبیر، سپاه بهداشت، دوره قاجار، دوره پهلوی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷

۱. دانشیار تاریخ ایران پس از اسلام، گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir



مقدمه

بررسی سیر تاریخی آموزش بهداشت در ایران، از جمله مباحث مغفول مطالعات تاریخی و ایران‌شناسی است که این مقاله تلاشی جهت طرح و بررسی این موضوع است. شست‌وشو و پاکیزگی بدن از جمله احکام عبادی تمامی ادیان به سلامت انسان مرتبط است و حداقل توجه به آن در ایران، قدمتی به دیرینگی دوران اساطیر دارد. مستندات تاریخی، پیوند عمیقی میان دین و امور بهداشتی و طبی نشان می‌دهد، تاجایی که موبدان زرتشتی در کسوت حکیمان و طبیبان نقش‌آفرینی می‌کردند (دوستخواه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۸۷۵). در دین اسلام نیز، پاکیزگی بدن و جامه توصیه شده، در آیات الهی به صراحت آمده است: «و لباس خویشان را پاک کن، و از پلیدی دور شو» (مدر: آیات ۴-۵). یا: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به [عزم] نماز برخیزید، صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشوید، و سرو پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید؛ و اگر جنب‌اید، خود را پاک کنید [غسل نمایید]؛ و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کرده‌اید و آبی نیافتید، پس با خاک پاک تیمم کنید و از آن به‌صورت و دست‌هایتان بکشید. خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می‌خواهد شما را پاک، و نعمت را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس [او] بدارید (مأئده: آیه ۶).

خداوند هدف از وضو گرفتن و غسل کردن را پاکی و طهارت بدن ذکر کرده و نخواسته است که مؤمنان به‌سختی بیفتند، اما این توصیه ساده پاکیزگی و طهارت، به‌مرور از قصد اصلی خود دور شد و به‌صورت احکامی سرشار از حاشیه درآمد و مسئله اصلی که بهداشت فردی از طریق شست‌وشو بود، فراموش گردید. چنان‌که در تفسیر امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ق)، مطهرات وجهی صرفاً عبادی یافتند که هرچند ظاهر این احکام برای پاک کردن بدن از چرک و پلیدی است، ولی در باطن مقاصد دیگری بر آنها نهفته شده است. غزالی در «اصل سوم» از «ارکان مسلمانی» کتاب کیمیای سعادت خطاب به عموم مردم «در طهارت» نوشته است: «بدان که خداوند سبحانه و تعالی می‌گوید: خدای تعالی پاکان را دوست دارد و رسول‌الله (ص) گفت: پاکی یک نیمه مسلمانی است و نیز گفت: بنای مسلمانی بر پاکی است (غزالی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۳۹).

بخش مطهرات و نجاسات کتاب‌های فقهی مسلمانان، بیان پاکی‌ها و پلیدی‌های

فقهی است و نه لزوماً توصیه‌های بهداشتی به مفهوم امروزی. غزالی ذیل فصل‌هایی چون «اقسام طهارت ظاهر» و «آب‌های پاک و ناپاک» و «کیفیت قضای حاجت» و «کیفیت استنجا» [پاک کردن موضع ادرار و مدفوع] به «کیفیت وضو» نوشته است: «چون از استنجا فارغ شد به مسواک کردن مشغول شود و ابتدا به جانب راست کند از زیر، آن‌گاه به جانب چپ کند از زیر، آن‌گاه درون دندان هم بدین ترتیب و آن‌گاه به زبان و کام فراز آورد و مسواک کردن مهم داند که در خبر است که «یک نماز با مسواک به هفتاد نماز بی مسواک بایستد.» «و نیت باید کرد به وقت مسواک که رهگذر ذکر خدای پاک می‌کنم.» غزالی بعد از نوشتن این بخش، چگونگی وضو و خواندن دعاهای وارد شده در این باره را بنابر فقه اهل سنت شرح داده و در پایان است: «و باید که به هر نمازی طهارت تازه کند، اگرچه حدث نکرده باشد که در خبر است که هر که طهارت تازه کند، حق تعالی ایمان وی تازه کند، و چون طهارت تمام کند، باید که بداند که این نظاره‌گاه خلق است که پاک بکرد و نظاره‌گاه حق تعالی دل است، چون وی را به توبه از اخلاق ناپسندیده پاک نکند، مثل وی چون کسی باشد که پادشاهی را مهمان خواهد کرد و در سرای بیرونین پاک کند و پیشگاه و صفه را که نشستگاه پادشاه خواهد بود، پلید نگذارد» (همان: ۱۴۸-۱۵۱).

سعدی نیز در باب هفتم بوستان به نام «در عالم تربیت» برای نشان دادن غیبت از دیگران و شستن دهان از سخنان ناروا، در حکایت «روزه در حال طفولیت» مانند غزالی چگونگی وضو را بنابر فقه اهل سنت بازگو کرده و سروده است:

ندانستی چپ کدام است و راست
همی شستن آموختم دست و روی
دوم نیت آور، سوم کف بشوی
مفاخر به انگشت کوچک بخار
که نهی است در روزه بعد از زوال
ز رُستنگه موی سر تا ذقن
ز تسبیح و ذکر آنچه دانی بگوی
همین است و ختمش به نام خدای
نیینی که فرتوت شد پیر ده؟

به طفلی درم رغبت روزه خاست
یکی عابد از پارسایان کوی
که بسم‌الله اول به سنت بگوی
پس آن‌گاه دهن
به سبابه دندان پیشین بمال
وزان پس سه مشت آب بر روی
دگر دست‌ها تا به مرفق بشوی
دگر مسح سر، بعد از آن غسل پای
کس از من نداند در این شیوه به

فرستاد پیغامش اندر نهفت	بگفتند با دهخدای آنچه گفت
نخست آنچه گویی به مردم بکن	که ای زشت کردار زیبا سخن
بنی آدم مرده خوردن رواست؟ ^۱	نه مسواک در روزه گفتی خطاست
بشوی آن که از خوردنی‌ها بشست	دهن گو زناگفتنی‌ها نخست

(سعدی، ۱۳۷۲: ۱۶۰)

ازلحاظ فقهی، هدف اصلی وضو یا دست‌نماز، عبادت و اطاعت امر خداوند است که بر اثر آن نمازگزار به پادشاه‌های فراوانی دست می‌یابد. غزالی زیر عنوان «کیفیت وضو» سیزده دعا را آورده که بهتر است همه مکلفان به‌هنگام دست‌نماز آنها را زمزمه کنند. پس از نوشتن دعای: «اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین و اجعلنی من عبادک الصالحین» که در پایان وضو باید خواند، تأکید کرده است: «و باید که معنی این دعاها معلوم کند، کسی را که تازی نداند تا داند که چه می‌گوید و در خبر است که هر که در طهارت، ذکر خدای تعالی می‌گوید، اندام‌های وی همه پاک شود از همه گناهان و خطاها که بر وی رفته باشد و چون ذکر خدای نگویید جز آنکه آب به وی رسیده باشد پاک نشود» (غزالی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۵۱).

پاکیزگی ظاهر و باطن بدن، وابسته به اجرای احکام مربوط به پاکیزگی فقهی است و کافران که اعتقاد دینی ندارند، بنابر احکام فقهی نجس هستند و در جرگه پاکان نمی‌گنجد.^۲ وضوگیران به اسبان سپیدپیشانی و دارای دست و پای سپید تشبیه شده‌اند و از پیامبر اکرم (ص) با عنوان «قائد الغر المحجلین» نام برده شده است. ابوالمعالی نصرالله منشی مترجم کليلة و دمنه در دیباچه خود پس از سپاس و ستایش خداوند به نعت «سید المرسلین و خاتم النبیین» پرداخته، از حضرتش با عنوان «قائد الغر المحجلین» یعنی «پیشوای مردمان سپیدپیشانی و دارای دست و پای سپید، در مفهوم پیشوای مسلمانان مؤمن وضوگیر که بدین سبب دارای روی و دست و پای سپید و پاکیزه هستند» یاد می‌کند (منشی، ۱۳۶۱: ۲). در دوران صفویه، علامه محمدباقر مجلسی (۱۳۰۷-۱۱۱۰ ق) در کتاب حلیه المتقین، مطالب فراوانی درباره بهداشت فردی دارد. فصل پنجم کتاب، آداب

۱. تلمیح به بخشی از آیه ۱۲ سوره حجرات: «و بعضی از شما غیبت بعضی نکند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟»
 ۲. وضو: پاکیزگی، نور [؟] از ضوء به معنی روشنایی.

مسواک زدن، شانه کردن، ناخن گرفتن، کوتاه کردن شارب [سیل] و تراشیدن سر را در بر دارد. فصل هفتم، نظافت شخصی و فضیلت حمام، فضیلت شستن سر و بدن و زدودن بوهای بد، فضیلت شستن سر با سدر و گل خطمی، فضیلت برطرف کردن موهای زائد بدن، ازاله کردن موی زیر بغل، آداب غسل جمعه و دیگر غسل‌ها را شامل می‌شود (مجلسی، ۱۳۹۱: ۲۸۷، ۳۱۲، ۳۳۸، ۳۶۳).

به‌دنبال دستاوردهای شگفت‌انگیز برآمده از تکاپوهای همه‌سویه انسان خردگرای روزگار نو و پیشرفت‌های علمی و نوآوری‌های صنعتی، به‌تدریج بنیاد نهادهای سنتی به‌هم ریخت و استمرار زندگی اجتماعی و بهبود روابط جمعی، شیوه‌هایی دیگر طلب کرد. ضمناً به مرور آشکار شد دستورها و سفارش‌های مذهبی دربارهٔ اخلاق و آداب زندگی به‌تنهایی بسنده نیست و دگرگونی و درستی رفتار همگانی را در پی ندارد. برای دستیابی به این هدف، باید نهادها و سازمان‌های مختلف تأسیس و قوانینی وضع شوند و مردمان به‌طور پیوسته و با راه‌های مختلف آموزش ببینند.

بررسی پیشینه آموزش بهداشت در دوره مورد بررسی، فاقد نمونه بدیل بود که با توجه به اهمیت آن، پژوهش حاضر با طرح این سؤال که نهادینه شدن بهداشت شخصی و اجتماعی، طی دوران صدارت میرزا تقی‌خان امیرکبیر تا تشکیل سپاه بهداشت در سال ۱۳۴۳ ش، چه روندی را طی کرده است، تلاش می‌کند با رویکرد تحقیقات تاریخی به شیوه توصیفی تحلیلی برای یافتن پاسخ، به بررسی و تحلیل داده‌های مرتبط با موضوع بپردازد. مفاهیمی چون آموزش بهداشت، با وجه تعلیمی قواعد بهداشتی، شامل سلامت فردی و اجتماعی، در این پژوهش مورد توجه است.

آموزش و توصیه‌های بهداشتی در دوران قاجار

از دوران فرمانروایی فتحعلی شاه قاجار که ایرانیان در فرایندی بسیار کند و آهسته با تمدن غرب آشنا شدند و سبک زندگی غربی تأثیر پنهان و آشکار خود را بر زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان بر جای گذاشت، در کنار الگو و شیوه نظافت که همواره احکام «مطهرات و نجاسات» فقهی بود، علم بهداشت که بر پایه میکروبیولوژی بنا شده بود، رخ نشان داد و پایه‌های پیشرفت‌های علمی به جلو رفت و جای خود را در شیوه زندگی مردم ایران باز کرد. میرزا تقی‌خان امیرکبیر که درستی پزشکی نوین را پذیرفته بود،

نخستین بار در سال‌های ۱۲۶۴-۱۲۶۷ ق/ ۱۸۴۸-۱۸۵۱ م اقدام به آبله‌کوبی مردمان کرد. در همان سال‌ها به فرمان وی جزوه‌هایی دربارهٔ عوامل بروز بیماری‌های واگیر از جمله وبا و راه‌های پیشگیری از آنها تهیه و در اختیار عده‌ای از مردم گذاشته شد (فلور، ۱۴۰۰: ۴۸-۴۹). وی در صدد بود تا جایی که ممکن است به همگان یاد دهد زباله و پسماندهای روزانهٔ خود را در کوچه و خیابان نریزند و آب آشامیدنی را آلوده نکنند. امیرکبیر برای پاکیزه نگه‌داشتن خیابان‌های پیرامون ارگ سلطنتی از گل‌ولای، آنها را سنگ فرش کرد. سپس این کار در تبریز هم به انجام رسید (همان: ۲۹۵-۲۹۶). پس از امیرکبیر، در روزگار صدراعظمی و سپس وزارت و سپهسالاری میرزا حسین خان سپهسالار (۱۳ رجب ۱۲۸۸ - ۱۵ شوال ۱۲۹۷ ق) اصلاحات امیرکبیر از جمله آنچه در حیطة بهداشت و درمان به انجام رسید، بار دیگر مجال بروز یافت که دامنهٔ آن به پاره‌ای از روستاها نیز رسید. چنان‌که وقتی در بهار ۱۲۹۵ ق، در «آقچه ایوان» ساوجبلاغ مرض مسری ظاهر شد، مسئولان امر در تهران و آذربایجان، «دستورالعمل‌های سهل موسیو آپارین» پزشک روسی را به کار بستند و از سرایت بیماری جلوگیری کردند (طاهر احمدی، ۱۳۷۰: ۱۴-۱۵).

در دورهٔ مشروطه توجه بیشتری به بهداشت و سلامتی همگانی شد و عمل به توصیه‌های بهداشتی نوین افزایش یافت. در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی اول، مأموران نهادهای بهداشتی دولت در آن دوران سرشار از آشفتگی و نابسامانی برای مبارزه با مالاریا و آبله و بیماری‌های دامی رهسپار شماری از روستاها شدند (رافعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱) که به‌نظر می‌رسد به سبب آشفتگی‌های روزافزون در سراسر کشور و تهی بودن خزانهٔ دولت، این‌گونه فعالیت‌های محدود اثر چندانی بر جای نگذاشت. از سوی دیگر، با تأسیس دارالفنون در ۱۲۶۸ ق، و حضور چند پزشک اروپایی در دارالفنون برای تدریس و طبابت و مداوای بیماران، پزشکی و بهداشت نوین رفته‌رفته گسترش یافت و اهمیت به‌کارگیری اصول سادهٔ بهداشتی مورد توجه قرار گرفت. دکتر ابوالحسن خان بهرامی، از دانش‌آموختگان دارالفنون، که برای تکمیل تحصیل پزشکی به پاریس رفته بود، پس از بازگشت، تعدادی کتاب درسی دربارهٔ آناتومی، فیزیولوژی و بهداشت به چاپ رساند (فلور، ۱۴۰۰: ۸۷). در همان اوان دکتر علی پرتو حکیم اعظم نیز پس از بازگشت از اروپا، در سال ۱۲۸۷/۱۹۰۸ م، به دارالفنون رفت و به تدریس بهداشت، فیزیولوژی و پزشکی قانونی پرداخت (رافعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۵).

پس از دارالفنون، با تأسیس مدارس آموزش طب و پرستاری و سپس دانشکده پزشکی، درس بهداشت نیز در برنامه تحصیلی این مراکز آموزشی گنجانده شد. یکی از نخستین برنامه‌های این‌چنینی، برنامه مدرسه آموزش پرستاری در کرمانشاه بود. این مدرسه را خانم فولتون که دارای درجه R.N یا پرستار رجیستر بود و برنامه آموزشی معتبری را گذرانده و مجوز کار در حوزه پرستاری دریافت کرده بود، به سال ۱۳۱۱ ش در کرمانشاه تأسیس کرد. دوره این مدرسه سه‌ساله بود و پرستار-دانش‌جویان افزون بر درس‌های عمومی و تخصصی، که همه آنها را پزشکان امریکایی تدریس می‌کردند، بهداشت شخصی را نیز می‌آموختند (رافعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۴). این برنامه در مراکز آموزشی پرستاری دیگر از جمله مدرسه دوساله پرستاری (تأسیس در سال ۱۳۱۶) با تدریس ۱۶ ساعت بهداشت شخصی (رافعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۷) و مدرسه بهیاری شیراز (تأسیس ۱۳۱۹) که هدف آن تربیت پرستاران روستایی بود، اجرا می‌شد. در این مدرسه فقط دخترانی پذیرفته می‌شدند که دوران شش‌ساله ابتدایی را به پایان رسانده بودند. این دختران علاوه بر درس‌های ضروری با چگونگی «بهداشت خانه و بهداشت بیمارستان» نیز آشنا می‌شدند (رافعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۶) از آن پس باتوجه به دستاوردهای تازه در حیطه بهداشت، این درس در همه آموزشگاه‌های پرستاری تهران و دیگر شهرها از جمله شیراز، تبریز، همدان، مشهد و رشت تدریس می‌شد (همان: ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۴، ۱۶۰، ۲۲۴). چنین دوره‌های آموزشی کوتاه یا بلندمدت و تربیت پرستاران و بهیاران و... آثار نیکویی بر جای گذاشت و موجب گسترش تدریجی دستورهای بهداشتی در نقاط مختلف گردید. در دهه ۱۳۳۰، یکی از مشاوران اداره اصل چهارده در ایران درباره وضع دهکده‌ای گزارش داد که هیچ نوزادی در این دهکده زنده نمی‌ماندند و بر اثر بیماری‌ای مانند کزاز هلاک می‌شدند. در بازرسی از محل معلوم شد که دو قابله سنتی این روستا از سرگین گاو برای بند آمدن خون پس از بردن بند ناف استفاده می‌کردند. پس از آن یکی از مریبان ایرانی که به قابله‌های سنتی آموزش‌های ساده می‌داد، به این دو قابله نشان داد چگونه یک قیچی را با استفاده از شعله یک شمع استریل کنند و بعد بند ناف را ببرند (رافعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۴۵).

آموزش بهداشت در برنامه‌های درسی مدارس در دوران قاجار

گنجاندن درس بهداشت در برنامه درسی مدرسه دارالفنون باعث شد که پس از کودتای

سوم اسفند ۱۲۹۹، برنامه‌ریزان سازمان تعلیم و تربیت جدید، این درس را برای آشنایی هرچه بیشتر و بهتر دانش‌آموزان با اصول بهداشتی شخصی و اجتماعی در برنامه‌ی تحصیلی جای دهند. در نخستین برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی که در بیست و هفتمین جلسه‌ی شورای عالی وزارت معارف در هفتم خرداد ۱۳۰۲، به تصویب رسید، درس «حفظ‌الصحه» - که بعدها عنوان بهداشت بر آن نهاده شد - در برنامه‌ی درسی کلاس‌های اول تا چهارم ابتدایی گنجانده شد که البته کتابی برای آن تهیه نشده بود و معلمان به‌صورت شفاهی و از راه گفت‌وگو با دانش‌آموزان این ماده‌ی درسی را تدریس می‌کردند (حسینی روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۹۰). این درس‌های شفاهی بنابر مصوبات جلسه‌های ۲۷-۳۰ و ۳۹ شورای عالی معارف، این مطالب را در بر می‌گرفت: «نصایح ساده و مختصر در پاکیزگی، شستن دست و صورت و دهان، تمیز نگاه داشتن ناخن و مو و لباس، مضرات زیاد خوردن و آشامیدن، اوقات خواب و بیداری» (حسینی روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۰۹-۱۱۰). این سرفصل‌ها برای تدریس در سال اول در نظر گرفته شده بود و در برنامه‌ی سال دوم توصیه شده بود: «مواد سال قبل مفصل‌تر و مضرات استعمال دخانیات و مسکرات» (حسینی روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

پیش از تدوین و اجرای این برنامه، ایرج میرزا که توجه و علاقه‌ی فراوانی به تعلیم و تربیت کودکان داشت، با زبانی روان و ساده قطعه‌هایی را از چند شاعر فرانسوی مانند لافونتن ترجمه کرده و به نظم درآورده بود که پاره‌ای از آنها مانند «مهر مادر» در کتاب‌های درسی جای گرفته بودند. این اشعار افزون‌بر پرورش ذوق کودکان و گرایش آنان به شعر فارسی در تربیت و تحکیم رفتار نیک در کودکان بی‌تأثیر نبود. مثنوی «نصیحت به فرزند» که ایرج آن را به اقتضای اندرز نظامی گنجوی به فرزند خویش سروده و شامل هفتاد بیت بود، راه و رسم بهتر زیستن را به کودکان و نوجوانان می‌آموخت و درباره‌ی کارهای روزانه با آنان سخن می‌گفت. در این مثنوی، ایرج از همه‌ی کودکان و نوجوانان می‌خواست که سحرخیز باشند، دست و روی خود را بشویند، موی سر را شانه زنند، گردوخاک را از جامه پاک کنند و... این توصیه‌ها همان است که در برنامه‌ی تفصیلی درس «حفظ‌الصحه» آمده بود و به‌نظر می‌رسد، کسانی که برنامه‌ی تحصیلی را در خرداد ۱۳۰۲ و پس از آن نوشتند، به مثنوی «نصیحت به فرزند» نظر داشتند و از آن بهره بردند. این مثنوی با این دو بیت آغاز می‌شود:

دارم پسری به‌نام خسرو

از مال جهان ز کهنه و نو

هر چند که سال او چهار است

پیدا است که طفل هوشیار است

پس از این دو بیت، پنج بیت دیگر آمده است که روی هم حکم مقدمه را دارند و پس از آنها اندرزه‌های ایرج شروع می‌شوند که این یازده بیت درباره بهداشت شخصی است:

می‌باش به عمر خود سحرخیز

وز خواب سحرگهان بپرهیز

دریاب سحر کنار جو را

پاکیزه بشوی دست و رو را

صابونت اگر بود میسر

بر شستن دست و رو چه بهتر

با حوله پاک خشک کن رو

پس شانه بزن به موی و ابرو

کن پاک و تمیز گوش و گردن

کاین کار ضرورت است کردن

تا آن که به پهلویت نشیند

چرک گل و گوش تو نبیند

در پاکی دست کوش کز دست

دانند ترا چه مرتبت هست

چرکین مگذار بیخ دندان

کان وقت سخن شود نمایان

پیراهن خویش کن گزیده

هم شسته و هم اتو کشیده

کن کفش و کلاه با برس پاک

نیکو بستر ز جامه‌ات خاک

در آینه خویش را نظر کن

پاکیزه لباس خود به بر کن

(محبوب، ۱۳۵۳: ۱۳۶-۱۳۷ و ۲۶۷)

به‌جز مثنوی «تصحیح به فرزند» ایرج‌میرزا، به نظر می‌رسد کتاب حفظ‌الصحه مظفری نیز در تهیه و تدوین برنامه تحصیلی دوران ابتدایی از سال ۱۳۲۰ به‌بعد مؤثر بوده است. حفظ‌الصحه مظفری را بنا بر آنچه روی جلد کتاب چاپ شده است، «میرزا محمدعلی‌خان مظفری، مخصوص کلاس سوم و چهارم مدارس ابتدایی و مطابق دستور و پروگرام جدید رسمی وزارت جلیله معارف تألیف» کرده بود. این کتاب که چاپ بیستم آن در سال ۱۳۴۵ ق [۱۳۰۶ ش] به‌صورت چاپ سنگی در ۴۰ صفحه منتشر شده، در حاشیه سمت چپ روی جلد آن آمده است: «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، ۴ برج [؟] پچی‌ئیل ۱۲۹۹، کتاب حفظ‌الصحه مظفری تألیف آقای میرزا محمدعلی‌خان مدیر کتابخانه علمیه مظفریه ملاحظه و با دستور جدید مطابقت شد. مناسب است در کلاس سوم و چهارم مدارس ابتدایی تدریس شود. حق طبع محفوظ و مخصوص خود مؤلف است» (مظفری، ۱۳۴۵ ق: ۱). باتوجه‌به مطالب کتاب ظاهراً ترجمه و اقتباس از کتابی فرانسوی است که با آیه «فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین» آغاز و در پایین آن

آمده است: «علم حفظ الصحه برای مرد و زن، پیر و جوان، غنی و فقیر لازم است، چه هرکس بدن دارد و باید حفظ آن را بکند» (همان: ۲). پس از آن در «معنی حفظ الصحه» نوشته شده است: «علم حفظ الصحه تعلیم می‌دهد خوردن، آشامیدن، خوابیدن، راه رفتن، لباس پوشیدن، کار کردن و ورزش بدنی را» (مظفری، ۱۳۴۵ ق: ۱).

عنوان‌های مطالب با توضیحی کوتاه زیر هر عنوان، همگی علمی و برگرفته از تازه‌ترین دستاوردهای دانش بشری در همان زمان بودند که عبارت‌اند از: صحت و مرض، خواب و بیداری، حرکت و سکون، هوای سالم، تنفس در هوای آزاد، آب مشروب و فاسد، آب صاف، آب‌های کثیف، فصول اربعه و مناطق مختلفه، سال قمری، سال شمسی، سرما و گرما، ترتیب لباس پوشیدن و غذا خوردن، اغذیه و اشربه مفیده و مضره، هضم غذا، مضرات ادویه تند، حفظ الصحه دندان‌ها، فایده غذا خوردن در وقت معین، شرح مختصری از ماکولات، مضرات ادویه‌جات سمی بدون تجویز حکیم از قبیل مرفین و تریاک و غیره، جلد [پوست] بدن، تنفس جلدی، استحمام، شست‌وشوی بدن اطفال، محسنات آب دریا، ناخن بلند، برای رفع زبری دست، آفتاب، تمیز نگاه داشتن مو، اجتناب از امراض مسریه، محافظت گیسوان و دستور آن، منازل خشک و آفتاب‌گیر و مرطوب، اتاق خواب، احتراز از سکونت در خانه‌ها [در صورت تغییر منزل و سکونت در خانه‌ای که ساکنان قبلی آن مبتلا به بیماری مسری بودند] و استعمال ضدعفونی، چراغ و مضرات نور شدید برای چشم، دود نفت و زغال، مجرای بخاری، [ایرانیان در زمستان از کرسی استفاده می‌کردند که با خاکه زغال و زغال گرم می‌شد و بخاری معمول نبود] تنفس در موقع خواب، موقع خواب، اقسام لباس‌ها، کفش راحت و تنگ، رفع بید از ملبوس پشمی و خز و غیره. توضیحات و روشن‌سازی‌هایی که در زیر این عنوان‌ها آمده، اغلب با اوضاع ایران در آن ایام مطابق و یکسان است و دانش‌آموزان به‌خوبی آنها را می‌فهمند. مثلاً درباره «هوای سالم» آمده است: «یکی از اسباب حفظ الصحه یعنی چیزهایی که باعث تندرستی است، تنفس است در هوای صاف [و] آزاد. صاف یعنی گردوغبار و دود نداشته باشد. آزاد یعنی راه خروج و دخولش بسته نباشد. مثلاً اتاق باید درهای متعدد داشته باشد که هوا داخل و خارج شود» (همان: ۵). درباره معنی «آب مشروب و فاسد» این توضیح نوشته شده است: «آب باید صاف و سبک و شیرین و بُرنده باشد. آب چشمه گوارا [ست] و آب راکد یعنی آب‌هایی که یک‌جا ایستاده‌اند، همه ناگوار است. مثل آب انبارها، استخرها و... امتحان

آب صاف و سبک به دو چیز است: یکی آنکه سبزی‌آلات [سبزی‌جات] در آن بپزد. دیگر آنکه صابون در آن کف کند» (همان: ۷). درباره «اغذیه و اشربه مفیده و مضره» نوشته شده است: «همان‌طور که چراغ روشن نفت [نفت] یا روغن لازم دارد، همین برای انسان زنده غذا لازم است. ولی باید دانست که غذا به حد اعتدال لازم است، یعنی نه آن قدر زیاد بخورد که دچار دل درد بشوند و نه آن قدر کم بخورند که بنیه از دست برود... از برای اینکه غذا زود هضم بشود و مزاج سالم باشد، باید غذا را نرم بخایند و تداخل نکنند. یعنی روی هم غذا نخورند که باعث سوء هضم [و] دل درد و دردر خواهد بود» (همان: ۱۵-۱۶). درخصوص «حفظ‌الصحه دندان‌ها با دستورالعمل» هم تأکید شده است: «اشخاصی که طالب حفظ دندان خود می‌باشند، باید به دستورالعمل ذیل رفتار کنند: همه‌روزه باید صبح با مسواک و گرد دندان، دندان‌ها را بشویند و بعد از صرف غذا دهان باید شسته شود و ذرات غذایی که لای دندان رفته با خلال بیرون بیاورند که اگر بیرون نیاید، متعفن گردد و تولید میکروب‌ها کند و از این جهت دهان بدبو و هم دندان فاسد شود» (همان: ۱۷-۱۸). ادامه کتاب با هدف آشنایی دانش‌آموزان با دستورهای بهداشت فردی، ذیل عنوان‌های مختلف، توضیح کوتاهی داده شده که می‌بایست با تفصیل بیشتر معلم، تمام مطالب کتاب تدریس می‌شد. در پایان هم برای تشویق دانش‌آموزان و ایجاد انگیزه بیشتر در آنان جهت رعایت دستورهای بهداشتی به بخشی از آیه ۲۲ سوره بقره ارجاع داده شده است. در این قسمت نوشته شده است: «خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد تمام مخلوقش پاک و نظیف باشند و خود فرموده است «پاکیزگاه را دوست دارم» باید دانست که طهارت و نظافت که سبب شرافت انسان بر سایر حیوانات است به برکت آب حاصل می‌شود و به همین جهت خداوند آب را...» (همان: ۴۰).

در برنامه تفصیلی سال سوم، درس «علم‌الاشیاء» [علوم تجربی] و «حفظ‌الصحه» در هم ادغام شدند و در بخش مربوط به بهداشت چنین نوشته شده بود: «آب مشروب و فاسد، اغذیه و اشربه مفیده و لازم، اغذیه و اشربه مضره، منزل و شرایط محل سکنا» (همان: ۱۱۵). برنامه سال چهارم نیز همان «مواد سال قبل قدری مفصل‌تر و تأکید در نظافت لباس و بدن و معابر و مجاری آب‌ها» بود (همان: ۱۱۷). در برنامه تحصیلی دوره ابتدایی سال ۱۳۰۳، تغییراتی به انجام رسید که این تغییرات بنا بر آنچه در جلسه چهارم شورای عالی معارف سال ۱۳۰۳، درباره درس «حفظ‌الصحه» به تصویب رسید، چنین

بودند: برنامه تفصیلی سال اول: «مطابق برنامه تفصیلی سال اول جلسه ۲۷ سال ۱۳۰۲» و فقط به جای «اوقات خواب و بیداری» این مطلب جایگزین شده بود: «مقدار خواب در ۲۴ ساعت و بهترین اوقات آن» (همان: ۱۱۸). برنامه تفصیلی درس «حفظالصحه» سال دوم «مطابق برنامه تفصیلی سال دوم جلسه ۲۸، سال ۱۳۰۲» و فقط بعد از «دخانیات» این مطلب اضافه شد: «مخصوصاً تریاک» (همان: ۱۱۹). برنامه سال سوم و چهارم «مطابق برنامه تفصیلی سال سوم و چهارم جلسه‌های ۳۰ و ۳۹ سال ۱۳۰۲» بود (همان: ۱۲۰-۱۲۱). درس «حفظالصحه» در برنامه تفصیلی سال پنجم ابتدایی مفصل‌تر شد و شامل این مطالب بود: «لزوم مراعات قوانین صحیحه برحسب دینانت اسلامی، طهارت و اقسام استحمام، البسه و طرز تنظیف آنها، منزل و شرایط محل سکن، مستراح و طرز تنظیفات آن و احتیاطات لازمه، صحت و مرض، ذکر بعضی از امراض مسریه بدون ذکر علامات ممیزه آنها، بیان طریقه جلوگیری و احتراز از امراض مزبوره، سرایت امراض توسط مگس و پشه و سایر حیوانات، وسایل گرم کردن اتاق، خواب و بیداری، حرکت و سکون، ورزش و فواید آن، حفظالصحه چشم» (همان: ۱۲۳-۱۲۴). اما برنامه تفصیلی سال ششم مختصرتر و عبارت بود از: «هوا و آب، آب مشروب و مجاری آب، سرما و گرما، فصول اربعه و مناطق مختلفه، تقسیم ساعات شبانه‌روزی برای رسیدگی به امور زندگانی، آب مشروب، اغذیه و اشربه مفیده و مضره، موجودات ذره‌بینی، تدابیر فوریه در بعضی مواقع تا هنگام رسیدن طیب» (همان: ۱۲۶).

در جلسه دهم شورای عالی معارف سال ۱۳۰۳، دگرگونی‌هایی در برنامه تحصیلی به تصویب رسید. مهم‌ترین ویژگی آن جدا شدن برنامه تحصیلی دختران از پسران بود. بیشتر مواد درسی و سرفصل‌ها در این دو برنامه یکسان است. جز آنکه درس «طباحتی» [آشپزی] به برنامه تحصیلی کلاس چهارم دختران افزوده شد و مطالب درس «حفظالصحه» کلاس‌های پنجم و ششم دختران زیاد و متنوع گشت. در درس طباحتی به «نظافت و پاکیزگی مطبخ [آشپزخانه] و طباحتی، جاروب کردن، پاک کردن شیشه‌ها و شستوشوی ظروف توجه شد (همان: ۱۳۳). سرفصل‌های درس «حفظالصحه» کلاس پنجم دختران مشتمل بر ۵۷ عنوان و در کلاس ششم ۳۷ عنوان بود. به‌جز آنچه مربوط به بهداشت و نظافت شخصی است، بیشتر مطالب این درس درباره شستوشوی موی سر، لباس، مواد غذایی از جمله سبزی و... بود (همان: ۱۳۴-۱۳۷).

آموزش بهداشت در برنامه‌های درسی مدارس دوران پهلوی

با برافتادن قاجاریه و به قدرت رسیدن رضاشاه، پایه‌های افزایش روزافزون دانش‌آموزان و تأسیس مدارس جدید، دگرگونی‌هایی در سازمان تعلیم و تربیت کشور رخ داد. از جمله، نخستین برنامه تحصیلی در روزگار حکومت رضاشاه نوشته شد. این برنامه همان «دستور تعلیمات شش‌ساله ابتدایی» بود که در جلسه ۸۶ شورای عالی معارف در پانزدهم مرداد ۱۳۰۶ به تصویب رسید و در همان سال «از اول افتتاح مدارس به‌موقع به اجرا گذاشته» شد. از نکته‌های تازه این برنامه، یکی آن بود که برای آموزش زبان فارسی از سال چهارم، افزون بر «قرائت قطعات نثر و نظم ادبی و اخلاقی... حفظ‌الصحه و نظافت لباس و بدن...» نیز افزوده شد تا دانش‌آموزان ضمن خواندن کتاب فارسی با بهداشت شخصی نیز بیشتر آشنا شوند و به پرورش جسمانی، بهداشت و مراقبت از خود توجه کنند (طاهر احمدی، ۱۳۷۸: ۳۰-۴۵). پس از آن در ۳۰ آذر ۱۳۱۶، برنامه دیگری برای «تحصیلات شش‌ساله ابتدایی به تصویب رسید» که در آغاز آن هدف‌های این برنامه تحصیلی شرح داده شد. از جمله هدف‌های برنامه این بود که دانش‌آموز به نگاه‌داشت تندرستی خود و خانواده‌اش راغب گردد و پیوسته بکوشد که حالت بدنی او از آنچه هست بهتر شود (همان). درباره دست‌یابی به این هدف، تأکید شده بود که هنگام خواندن کتاب فارسی در کلاس، معلمان دقت کنند «شاگردان راست بنشینند و فاصله کتاب از چشم آنها کمتر از ۳۰ و بیشتر از ۳۵ سانتی‌متر نباشد» (حسینی روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۴۸). برای تألیف و تدوین کتاب‌های قرائت فارسی نیز توصیه شده بود، مطالب ساده و مختصری «در فواید پاکیزگی، شستن دست و روی و دهان و دندان و پاک نگاه‌داشتن ناخن و مو و جامه و زبان بسیار خوردن و آشامیدن و عدم نظافت، مقدار خواب در ۲۴ ساعت و بهترین هنگام آن» گنجانده شوند (همان: ۱۵۰).

در برنامه تفصیلی درس بهداشت سال پنجم، تدریس این مطالب تأکید شده بود: «لزوم رعایت قوانین تندرستی، پاکیزگی و فواید آن، جامه و طرز پاک کردن آن، تندرستی و بیماری... انتقال ناخوشی‌ها به توسط مگس و پشه و سایر جانوران و...» (همان: ۱۵۷). برای درس بهداشت سال ششم نیز توصیه شده بود، مطالبی درباره آب آشامیدنی، موجودات ذره‌بینی، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های سودمند و زیان‌آور و... تدریس شوند»

(همان: ۱۶۰). در سال ۱۳۱۰، برنامه دیگری نوشته شد که در آن عنوان درس فقه به تعلیمات دینی تبدیل شد و برای تدریس آن در کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی و اول متوسطه، کتاب «شرعیات نبوی مظفری» تألیف سید جلال‌الدین تهرانی در نظر گرفته شد. تهرانی در پایان این کتاب، زیر عنوان «فلسفه یا حکمت» فلسفه پاره‌ای از احکام را با رویکردی مثبت به اصلاحات روزگار رضاشاه نوشت و از جمله درباره «فلسفه طهارت، پاکیزگی و نظافت، مراعات حفظ‌الصحه جسمانی و منافع روحانی» سخنانی ذکر کرده است (طاهراحمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۳۰).

در جلسه ۳۶۵ شورای عالی معارف در سال ۱۳۱۷، برنامه تفصیلی درس بهداشت سال پنجم مدارس ابتدایی دختران زیر سرفصل «وظایف خانه‌داری» ۵۶ عنوان را در بر گرفته و سال ششم نیز شامل ۲۸ عنوان است. به جز آنچه مربوط به نظافت شخصی دختران است، بیشتر مطالب درباره پاکیزگی خانه و تمیز نگاه‌داشتن آشپزخانه و چگونگی استفاده از آب‌های پاک برای شستن لباس و... است (حسینی روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۶۳-۱۶۵). پس از آن در سال ۱۳۱۹، برنامه تحصیلی دیگری در جلسه ۴۲۰ شورای عالی فرهنگ به تصویب رسید که درس بهداشت سال دوم این مطالب را در بر می‌گرفت: «تمرین‌های عملی راجع به پاکیزگی بدن و لباس، شستن دست و روی و دهان و دندان، پاک نگاه‌داشتن ناخن و سر و جامه و...» (همان: ۱۷۰). مطالب درس بهداشت سال‌های سوم تا ششم ابتدایی، همین موضوعات با تفصیل بیشتر بود و تأکید بر نظافت لباس، بدن، محل زندگی و تمرین‌های عملی راجع به پاکیزگی (همان: ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۰).

در «پروگرام مدارس شش کلاسی ابتدایی فلاحی» که در جلسه ۲۶۱ شورای عالی معارف در سال ۱۳۱۲ تصویب شد، در برنامه تفصیلی سال پنجم در درس «فلاحت عمومی» ضمن چگونگی جمع‌آوری محصول و نگهداری و مواظبت آنها در انبار بر «لزوم نظافت انبار» تأکید شد و در درس «پرورش حیوانات» و «پرورش طیور» ضمن بیان ویژگی‌های طویله و مرغدانی، نظافت آنها نیز قید شده بود. همچنین در برنامه تفصیلی سال ششم، افزون بر نظافت محل نگهداری حیوانات، از «حفظ‌الصحه حیوان» یاد شده و بر تدریس این مطالب توصیه شده بود: «وسایل مختلفه برای جلوگیری از بروز انتشار امراض، تنظیف و ضد عفونی کردن طویله و آغل، تشخیص و راپورت بروز مرض به مأمورین مربوطه، جدا کردن حیوان مریض و مشکوک، دفن لاشه، جلوگیری از رفت‌وآمد حیوانات

به نواحی مشکوک و عملیات واکسیناسیون» (همان: ۷۳-۷۵).

آموزش بهداشت در جراید و نشریات

روزنامه‌ها و مجلات وسیله مناسبی برای انتقال پیام‌های بهداشتی و آشنا کردن گروه‌هایی از جامعه با دستورهای نوین بهداشتی بود. در دی ۱۲۸۴ و بهار ۱۲۸۵ ش، روزنامه تربیت دو مقاله درباره اهمیت دندان‌پزشکی و بهداشت دهان چاپ کرد (فلور، ۱۴۰۰: ۸۳). این دو مقاله یکی در شماره ۶۹۳، سال ششم این روزنامه در ۱۵ ذی‌القعدة ۱۳۲۳ ق، و دیگری در شماره ۴۰۴، سال ششم در ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ ق چاپ شدند^۱ (برزین، ۱۳۷۱: ۱۲۸).

تقریباً تمام فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی که تا شهریور ۱۳۲۰ درباره بهداشت و آشنایی جامعه با آن به انجام رسید، اثر خود را بر جای گذاشت. نسل‌هایی که سال‌های کودکی یا نوجوانی و جوانی خود را در سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ ش، آن هم در شهرهای بزرگ و کوچک و پاره‌ای روستاها گذراندند و تجددخواهی آن دوران را پذیرفتند، در برابر قانون تغییر لباس نیز مقاومتی نکردند و در تغییر لباس پیش قدم شدند. آنها اغلب به بهداشت شخصی خود توجه می‌کردند و دستورهای بهداشتی را تا حد امکان به کار می‌بستند. در همان روزگار که پزشکان تحصیل کرده در اروپا در روزنامه‌ها و مجلات تهران و دیگر شهرها خود را معرفی می‌کردند و نشانی مطب خویش را می‌نوشتند، آگهی کوتاهی از دکتر میرعلی نقی خان «متخصص در امراض دهان و دندان» در سالنامه پارس (همان: ۱۰۱) به چاپ رسید که نشان‌دهنده شماری از افراد جامعه به بهداشت و پاکیزگی بی‌اعتنا نبودند. دکتر میرعلی نقی خان در آگهی خود «به مرضای محترم» بشارت داده بود «باکمال اطمینان و نظافت می‌تواند هر قسم دندان‌های جدیدالاختراع و معالجه امراض دهان و دندان را عهده‌دار شود» (فلور، ۱۴۰۰: ۷۹).

با این‌همه، در پی کشیده شدن دامنه جنگ جهانی دوم به ایران و تصرف کشور توسط متفقین، تقریباً اجرای بسیاری از برنامه‌های اصلاحی و مفید متوقف شد یا به ضعف گرایید. به سبب بروز بیماری‌های مسری و غیرمسری در اغلب نقاط کشور، بهداشت و درمان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و کارهایی به انجام رسید که

۱. روزنامه/مجله ادبی هفتگی به مدیریت و صاحب امتیازی محمدحسین فروغی. نخستین روزنامه غیردولتی که در تهران طی سال‌های ۱۲۷۵-۱۲۸۵ ش/ ۱۳۱۳-۱۳۲۴ ق، منتشر می‌شد.

مهم‌ترین آنها را دکتر ابراهیم چهارازی در اثری به‌نام سیر تکامل بهداشت در ایران برشمرد و به بازار کتاب عرضه کرد. این کتاب روزشمار سلامت و بهداشت و درمان در ایران است که کارهای انجام شده در این‌باره از ۲۸ شهریور ۱۳۲۰ تا ۳۰ آذر ۱۳۴۵ را در بر می‌گیرد (چهارازی، ۱۳۴۶: مقدمه).

یکی از مهم‌ترین کارهای انجام‌شده در دهه ۱۳۲۰ و ادامه آن تا سال ۱۳۵۷، انتشار مجلات مربوط به موضوع بهداشت و درمان و پزشکی بود که همه آنها به اهتمام وزارت بهداشتی، دانشکده‌های پزشکی، اتحادیه‌های صنفی پزشکان و بخش خصوصی منتشر می‌شدند. از این مجلات، هفت عنوان مجله در دهه ۱۳۲۰ منتشر شدند و سیزده مجله در دهه ۱۳۳۰، پس از آن چهارده مجله در دهه ۱۳۴۰ و چهارده عنوان مجله تازه‌تأسیس دیگر در دهه ۱۳۵۰ انتشار یافتند که در مجموع ۴۸۴ عنوان مجله بهداشتی-پزشکی در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، چاپ و منتشر شدند (برزین، ۱۳۷۱: ۱۰۱).

آموزش بهداشت با استفاده از رسانه‌های همگانی نوین

یکی از مؤثرترین فعالیت‌های بهداشتی در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰، که به همت شماری از پزشکان به انجام رسید، آموزش مستقیم و رودرروی پزشکان با مردم بود. نمونه‌هایی از این شیوه را دکتر محمدرضا حکیم‌زاده بنیان‌گذار خانه سالمندان کهریزک در خاطرات خود بازگو کرده است. چنانکه ماجرای تشویق و تحریض ساکنان یکی از مناطق کنار رود کارون در خوزستان به استفاده از آبریزگاه و ساختن مستراح و استقبال مردم از این کار با تفصیل در این کتاب آمده است (حکیم‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۹). در مبارزه با بیماری‌های آمیزشی که از طرح‌های سازمان برنامه بود و اجرای آن را دکتر حکیم‌زاده به عهده گرفته بود، پزشکی به‌نام خانم دکتر دادگران علاوه بر معاینه زنان و ویژه، با برنامه‌ای منظم ایشان را تحت کنترل قرار داده بود و با آنان گفت‌وگو می‌کرد. طوری که «زنان روسپی سرکش و عوامل بد روسپی‌خانه‌ها با کمال میل به راهنمایی و توصیه‌های این پزشک فداکار پاسخ مثبت می‌دادند» (همان: ۷۱-۷۲).

شیوه دیگری که برای آموزش‌های بهداشتی به همگان و فرهنگ‌سازی درباره رعایت دستورهای بهداشتی به‌کار گرفته شد، بهره‌گیری از نشان دادن اسلاید در حین سخنرانی و سپس نمایش فیلم به مردم بود. گویا نخستین بار در سال ۱۲۹۹ش، دکتر

هافمن^۱ آمریکایی و همکارانش در بیمارستان پهلوی مشهد [مسیونری آمریکایی]، نشست‌هایی دربارهٔ موضوع‌های پزشکی با حضور پزشکان ایرانی برپا کردند و در همین نشست‌ها گاه در حین سخن گفتن از نمایش فیلم‌های صامت نیز برای تشریح و تکمیل موضوع سخنرانی بهره می‌گرفتند (فلور، ۱۴۰۰: ۳۰۷). در همین بیمارستان پزشکان آمریکایی برای جلوگیری از سرایت بیماری مسلول‌ها به افراد سالم، به بیماران یاد می‌دادند که با اخلاط خود چگونه رفتار کنند (همان: ۲۵۹-۲۶۰). سپس در سال تحصیلی ۱۳۰۶-۱۳۰۷، دکتر هافمن، دو درس دربارهٔ بهداشت [احتمالاً در بیمارستان پهلوی و برای عموم] ارائه کرد که مورد توجه رئیس معارف مشهد قرار گرفت و از دکتر هافمن خواست در برپایی سخنرانی‌های بهداشتی برای عموم مردم با وی همکاری کند. بدین قرار در بهار ۱۳۰۸، نشست‌هایی عمومی برگزار شد که با استقبال مردم روبه‌رو گردید، طوری که جای کافی برای همه نبود و بسیاری بیرون از محل سخنرانی می‌ایستادند. بیشتر سخنرانی‌ها را پزشکان ایرانی ایراد می‌کردند. به همت پزشکان آمریکایی هر هفته فیلم‌های آموزشی صامت به نمایش درمی‌آمد. در سال تحصیلی بعد، پزشکان آمریکایی در دبیرستان شاه رضا، ضمن سخنرانی دربارهٔ بهداشت و سلامت عمومی، عکس‌های مختلف در این‌باره را از طریق اسلاید به حضار نشان دادند. این سخنرانی‌های ادواری ادامه یافت تا اینکه در سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵، مقرر شد همین سخنرانی‌ها دربارهٔ بهداشت و سلامت عمومی، هر دو ماه یک‌بار در یکی از دبیرستان‌های مشهد برگزار شود (همان: ۳۰۸). در رشت نیز در سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۱۳، دکتر فریم^۲ و همکارش دکتر برینکمن^۳، سخنرانی‌هایی در اتاق انتظار بیمارستان شهر ایراد می‌کردند که با نمایش تصاویری از طریق اسلاید به انجام می‌رسید. پایه‌ای آن در لاهیجان نیز فیلم‌هایی دربارهٔ چگونگی پیشگیری از بیماری‌های ساری و بهداشت عمومی نمایش داده می‌شدند (همان: ۳۰۹).

با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم و حضور فعال آمریکا در عرصهٔ سیاسی و اقتصادی جهان، همچنین آغاز جنگ سرد و مقابله با کمونیسم، ادارهٔ همکاری‌های فنی و اقتصادی آمریکا در ایران موسوم به اصل چهار ترومن آغاز به کار کرد. این همکاری‌ها به صورت پرداخت وام‌های بلندمدت و شرکت در اجرای طرح‌های عمرانی، کشاورزی، بهداشتی و

1. Hofmann
2. Dr. Frame
3. Dr Brinkman

توسعهٔ امور روستایی به انجام رسید (مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۲، ج ۱: مقدمه). مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۷۵ سند را در دو مجلد دربارهٔ توسعهٔ امور روستایی چاپ و منتشر کرد که پاره‌ای از این اسناد مربوط به اجرای طرح‌های بهداشتی مذکور است (همان، ج ۱: ۲۳۰-۲۳۷؛ ج ۲: ۷۵۲).

ساختن فیلم‌های آموزشی برای عموم مردم در حیطهٔ بهداشت و سلامت براساس همکاری ادارهٔ اطلاعات آمریکا در تهران با بخش سمعی و بصری دانشگاه سیراکیوز^۱ نیویورک و در قالب اصل چهار ترومن انجام می‌شد. در گام نخست، گروهی به سرپرستی جان. ل. همیلتون^۲، از سوی دانشگاه سیراکیوز در آبان ۱۳۲۸، با ۲۷ اتومبیل به‌علاوهٔ وسایل و ابزار نمایش سیار فیلم و آثار کوتاه آموزشی و مستند به ایران آمدند. بعدها دولت ایران ۴۰ اتومبیل دیگر در اختیار این گروه قرار داد تا اعضای گروه بتوانند به جاهای بیشتری بروند و فیلم نمایش دهند. همیلتون به توصیهٔ همکاران ایرانی خود از مدیر بخش سمعی و بصری دانشگاه سیراکیوز خواست نیروی انسانی و امکانات بیشتری برای ساختن فیلم‌های آموزشی در ایران در اختیار گروه بگذارند. بدین قرار، جان همفری^۳ کارگردان و بابایان^۴ نویسنده و فیلمبردار در تابستان ۱۳۳۰ وارد تهران شدند. نخستین فیلم در بهمن ۱۳۳۰ با عنوان «تأسیس قلمستان» ارائه شد. پس از آن تا سال ۱۳۳۸، که گروه در ایران فعال بود، علاوه بر ۴۰۳ فیلم خبری، ۲۲ فیلم مستند که پنج فیلم آن آموزش جغرافیای ایران بود و شماری فیلم‌های آموزشی در موضوع‌های متنوعی دربارهٔ بهداشت، کشاورزی و بناهای تاریخی ساخته شد (امید، ۱۳۷۴: ۸۴۸-۸۴۹). محتوای فیلم‌های حوزهٔ بهداشت و سلامتی هم از نام‌ها معلوم بود. این فیلم‌ها عبارت بودند از: «چرا کودکان می‌میرند، اسهال خونی، آب پاک، تغذیه و بهداشت، سیاه‌زخم، مالاریا، مستراح بهداشتی، سل علاج‌ناپذیر است، بهداشت شیر و فراورده‌های شیری، استحمام کودک، انبار غذا، مراقبت و نگهداری تلمبه، مراقبت و نگهداری خانهٔ روستایی، بارداری زودرس، بارداری دیرنگام، مراقبت‌های پس از بارداری، کنترل شپش، بهداشت مدرسه، کنترل مگس، رهایی از کک، ساخت حمام بهداشتی، مراقبت از دندان‌ها، اهمیت بینایی، سعید پانسمان

زخم ساده را می‌آموزد، سعید دربارهٔ خفگی چیز یاد می‌گیرد، سعید دربارهٔ میکروب‌ها مطالبی می‌آموزد، میکروب چیست، تغذیهٔ درست، مخزن فاضلاب (تلمبه‌کاری بدون بو)، اندازه‌گیری درجه حرارت بدن، کنسروسازی میوه، کنسروسازی سبزیجات، کنسروسازی گوشت و کنسروسازی آب‌میوه» (همان: ۸۶۶-۸۶۷).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی باتوجه‌به فضای انقلابی و ستیز با امپریالیسم آمریکا، بعضی محققان تاریخ سینمای ایران با بدبینی به این نوع فعالیت‌های سینمایی ادارهٔ اصل چهار و دانشگاه سیراکیوز نگاه کردند و آنها را ضد ایران شمردند. مسعود مهربانی، در این‌باره نوشته است: «در رابطه با همکاری بین ادارهٔ اطلاعات و روابط فرهنگی آمریکا از یک سو و ادارهٔ هنرهای زیبای کشور، در سال ۱۳۲۸، سازمان فیلم‌برداری دانشگاه سیراکیوز، گروهی را راهی ایران می‌کند. این گروه شروع به ساختن فیلم‌های مستند تبلیغاتی می‌کند. فیلم‌های زیادی که این گروه می‌سازد به ظاهر خالی از مضامین سیاسی است. اما باتوجه‌به گفتار متن و مونتاز تصاویر جهت سیاسی فیلم که همانا خصلت سلطه‌جویی است، عیان می‌شود. در این فیلم‌ها از یک سو سعی شده تا ایران کشوری در نهایت عقب‌ماندگی تصویر شود و از سوی دیگر باتوجه‌به مهر و نشانی که تیتراژ بر خود دارد و این عنوان بر فیلم که مردم آمریکا این فیلم را به‌وسیلهٔ برنامه‌های همکاری اصل چهار به مردم ایران هدیه کرده‌اند، آمریکا را یک دوست خیرخواه و ناجی نشان می‌دهد. فیلم‌های این گروه از نظر ساختمان بسیار ساده هستند. درواقع نوار عکس‌های متحرک از فقر و فلاکت و نادانی مردم‌اند که با زبانی ساده موضوع خود را بیان می‌کنند. با نگاهی به‌عنوان فیلم‌های این گروه که تعدادی از آنها با بودجهٔ وزارت کشاورزی و وزارت بهداشت ایران ساخته شد، راه نفوذ فرهنگی و سیاسی آمریکا را به زبان ساده می‌توان دریافت. آب پاک، پیشرفت دامپروری، غذا، سلامتی، جلوگیری از اسهال، چاه فاضلاب، چرا کودکان تلف می‌شوند، درخت‌کاری، سمپاشی درختان، سل علاج‌ناپذیر است» (مهربانی، ۱۳۷۰: ۲۶۵-۲۶۶).

همهٔ تلاش‌هایی که از دوران امیرکبیر در حوزهٔ بهداشت آغاز شد و در فرایندی طولانی به بهره‌گیری از فیلم و سینما رسید، موجب شد موضوع بهداشت و توجه همگانی به آن نهادینه شود و مصرف محصولات بهداشتی به‌ویژه انواع صابون‌های جامد و پودرهای شوینده و حتی دستمال کاغذی در میان خانواده‌های ایرانی معمول گردد. سرانجام با

تشکیل سپاه بهداشت در سال ۱۳۴۳، حاصل تکاپوی افراد و نهادهایی که برای توجه همگان به رعایت اصول بهداشتی به پا خاستند، از طریق سپاهیان بهداشت در روستاها نیز مورد توجه قرار گرفت و در سراسر کشور گسترش یافت. روند فعالیت‌های سپاه بهداشت خود بحث مفصلی است که در پژوهشی دیگر قابل ارائه خواهد بود.

نتیجه گیری

با ظهور اسلام و شروع دعوت نبوی و نزول آیات مربوط به احکام و عبادات، شست‌وشوی دست و صورت و در مواقع به‌خصوصی سراسر بدن به‌صورت وضو و غسل از جمله تکالیف دینی درآمد. با وجود این، در پی پیشرفت علوم تجربی از سده هجدهم میلادی و پیدایش پزشکی نوین، بهداشت نیز به‌صورت علمی وابسته به پزشکی ظاهر شد و مورد استفاده قرار گرفت. در ایران نیز بر اثر آشنایی تدریجی شماری از ایرانیان با تمدن غرب و دستاوردهای علمی، امیرکبیر نخستین دولتمردی بود که پاره‌ای از یافته‌های علمی مربوط به بهداشت و درمان جدید را به‌کار گرفت و کوشید تا آنجا که ممکن است، ایرانیان را با بهداشت فردی و اجتماعی آشنا کند و رعایت اصول بهداشتی به عادت و فرهنگ همگان تبدیل شود. پس از او در فرایندی کند و آرام و در عین حال دشوار، کارهای انجام‌شده پیگیری شد و به‌خصوص پس از انقراض قاجاریه در سال ۱۳۰۴، برای نهادهای کردن این موضوع تکاپوهایی هماهنگ و پیوسته به انجام رسید که به‌صورت تازه‌ای در تبلیغات پزشکان و برنامه تحصیلی مدارس و انتشار نشریاتی مخصوص بهداشت و درمان جلوه‌گر شد. در نهایت، با نمایش فیلم‌های بهداشتی در شهرها و روستاها، هر روز تعداد بیشتری از ایرانیان با اصول بهداشت فردی و اجتماعی آشنا می‌شدند و خود را موظف به رعایت این اصول کردند. تاجایی که استفاده از محصولات بهداشتی مانند انواع صابون‌های جامد و پودرهای مخصوص شست‌وشوی لباس در سید بسیاری از خانواده‌ها جای گرفت. زمینه توسعه و گسترش این مهم نیز از هر نظر در روستاهای سراسر کشور مهیا گردید و سرانجام با تشکیل سپاه بهداشت در سال ۱۳۴۳، روند نهادهای شدن رعایت اصول بهداشتی در سراسر کشور شتاب گرفت. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، اکثر ایرانیان با اصول بهداشت شخصی و اجتماعی خو گرفته بودند و با توجه به امکانات مالی خود بسیاری از آن اصول را به‌کار می‌بستند.

منابع

قرآن مجید

- امید، جمال (۱۳۷۴). تاریخ سینمای ایران (۱۳۷۹-۱۳۵۷). تهران: انتشارات روزنه.
- برزین، مسعود (۱۳۷۱). شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی. تهران: انتشارات بهجت.
- چهرازی، ابراهیم (۱۳۴۶). سیر تکامل بهداشت در ایران. تهران: چاپ سکه.
- حسینی روح‌الامینی، جمیله‌السادات (۱۳۸۴). سیر تحول برنامه‌های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی در ایران. تهران: انتشارات نورالثقلین.
- حکیم‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۹). سرگذشت من، خاطرات دکتر محمدرضا حکیم‌زاده، با مقدمه و ویراستاری مرتضی رسولی‌پور. تهران: نشر نوگل.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۸۵). اوستا: کهن‌ترین متن‌ها و سرودهای ایرانی (گزارش و پژوهش). ج ۲. تهران: انتشارات مروارید.
- رافعی، محمد و دیگران (۱۳۹۶). سطح بهداشت جامعه روستایی در ایران دوره قاجار و پهلوی، مجله تاریخ پزشکی، شماره ۳۱، دوره نهم، تابستان، تهران.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۲). بوستان سعدی (سعدی‌نامه). تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. ج ۴. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۷۸). سیر تحول برنامه تحصیلی از مشروطه تا پایان سلطنت رضاشاه. فصلنامه تحقیقات تاریخی گنجینه اسناد. سال نهم. دفتر سوم و چهارم. پاییز و زمستان. شماره پیاپی ۳۵ و ۳۶. صص ۳۰-۴۵.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۷۰). تلگرافات عصر سپهسالار، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۹۰). آموزش دین در دوره رضاشاه. فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو. شماره ۵۷. صص ۱۱۳-۱۳۰.
- غزالی، ابوحامد امام محمد (۱۳۶۱). کیمیای سعادت. به کوشش حسین خدیو‌جم. ج ۱. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- فلور، ویلم (۱۴۰۰). سرآغازهای پزشکی مدرن در ایران. ترجمه ایرج نبی‌پور. بوشهر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
- مجلسی، علامه محمدباقر (۱۳۹۱). حلیه‌المتقین. تهیه و تنظیم ابوالقاسم علین‌نژاد. قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب.

محبوب، محمدجعفر (۱۳۵۳). تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او. چ ۴. تهران: شرکت چاپ افست گلشن.

مرکز اسناد ریاست جمهوری (۱۳۸۲). اسنادی از اصل چهار ترومن در ایران (۱۳۲۵-۱۳۴۶). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مظفری، میرزا محمدعلی خان (۱۳۴۵ ق). حفظ الصحه مظفری، چاپ سنگی. چ ۲۰. تهران: نشر مؤلف.

منشی، ابوالمعالی نصرالله (۱۳۶۱). کلیده و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی. چ ۶. تهران: انتشارات امیرکبیر.

مهرابی، مسعود (۱۳۷۰). تاریخ سینمای ایران از آغاز تا سال ۱۳۵۷. چ ۶. تهران: نشر مؤلف.